



سرانجام قاتل حمزه(ع) چه شد/ پیامبر(ص) به قاتل عمویش چه گفت؟

بعد از شهادت حضرت حمزه(ع) پیامبر(ص) دستور قتل وحشی را صادر فرموده بودند اما با اسلام آوردن او مشمول عفو پیامبر(ص) قرار گرفت و آزاد شد، اما حضرتش فرمود: خودت را از نظرم دور بدار.

بعد از شهادت حضرت حمزه(ع) پیامبر(ص) دستور قتل وحشی را صادر فرموده بودند اما با اسلام آوردن او مشمول عفو پیامبر(ص) قرار گرفت و آزاد شد، اما حضرتش فرمود: خودت را از نظرم دور بدار.
"وحشی" قاتل حضرت حمزه(ع) که بود؟

بنا بر نقل مشهور نام وی وحشی بن حرب مکنی به ابو دسمه بوده است او که غلامی حبشی الاصل بود در جنگ احد از طرف هند مامور شد تا یکی از سه نفر را بکشد یا رسول خدا(ص) یا امیرالمؤمنین(ع) یا حمزه بن عبدالمطلب(ع) و در نهایت این مأموریت را با کشتن حضرت حمزه به پایان رسانید.

در مورد وحشی روایتی از امام صادق(ع) وجود دارد که در اصول کافی نقل شده حضرت در آن روایت اصناف مردم را می شمارند در فرازی می فرمایند: عده ای از مردم کسانی هستند که به گناهانشان اعتراف می کنند و بعد از آن هم عمل صالح انجام می دهند و هم گناه که اینان بر حسب عملشان به جهنم یا بهشت خواهند رفت(مصادیق آیه 102 سوره توبه) و وحشی هم از آن دسته است. بنابراین برای فهمیدن اینکه وحشی از کدام دسته است باید در میان تاریخ به دنبال رد پای اعمال او بگردیم.

مسلمان شدن وحشی

مسلمان شدن وحشی مربوط می شود به زمان فتح مکه، بد نیست بدانید بعد از جنگ احد پیامبر اکرم(ص) خون وحشی را هدر اعلام کرده بودند در جریان فتح مکه وحشی دیگر مجالی برای فرار ندید و مسلمان شد البته به چند دلیل اسلام وی ظاهری بوده و از روی اعتقاد اسلام نیاورده است.

1- به خاطر اینکه نقل شده در جریان فتح مکه او به طائف فرار کرد ولی به وی خبر دادند که پیامبر(ص) هر کس را که ایمان بیاورد می بخشد برای همین گروهی را به نزد پیامبر(ص) فرستاد هنگامی که از این قصه مطمئن شد اسلام آورد.

2- بعد از رسیدن خدمت پیامبر(ص) و اسلام آوردن، رسول خدا(ص) به او فرمودند: غیب وجهک عنی! یعنی دیگر جلوی چشم من نیا و این گونه عملکرد رسول خدا(ص) دلالت بر اسلام بدون اعتقاد وی است، چرا که اگر واقعا مؤمن شده بود آیا معقول بود پیامبر(ص) وی را به خاطر کاری که در جاهلیت کرده طرد کنند؟! آن هم پیامبری که هر عملش طبق دستور خداست و همین خدا دستور داده اسلام آوردن تمام گناهان قبل را می بخشد. بنابراین نتیجه می گیریم پیامبر با اجرا نکردن قتل وحشی از سویی و طرد او از سوی دیگر نشان دادند که وی مؤمن نشده بلکه برای فرار از اعدام اسلام ظاهری آورده است.

3- دلیل دیگری که باعث می شود بفهمیم اسلام او ظاهری بوده چانه زنی او به خاطر اعمال اسلام است که ابتدا گروهی را فرستاد که از پیامبر(ص) خواهش کنند اسلام آنان را قبول نماید ولی اعمال اسلام را به آنها تخفیف دهد.

در مورد این خطاب پیامبر(ص) به وحشی، عده ای معتقدند که اسلام آوردن وحشی تظاهر به اسلام بود، برای در امان ماندن از مرگ. از این رو چون به ظاهر اسلام آورد و ایمانش واقعی نبود پیامبر این گونه فرمود. شاید از این رو به وحشی فرمود در جلو چشمانم ظاهر نشو که با هر بار دیدنش به یاد آن جنایت بزرگ افتاده و قلبش جریحه دار می شد. اگر غیر از این بود، دستور به اخراج و تبعید وی می داد، در حالی که چنین نکرد. تفسیر رحمانی تر این سخن آن است که پیامبر خواست با این سخن، وحشی از خجالت و شرمندگی در امان باشد؛ چرا که هر وقت چشمش به چشمان مبارک پیامبر رحمت می افتاد، از جنایتی که در حق آن حضرت مرتکب شد، احساس شرم و خجالت می کرد.

پاسخ تفصیلی

برای روشن شدن دلیل این سخن پیامبر اکرم(ص) در برخورد با وحشی، قاتل جناب حمزه، ضروری است نخست نگاهی هرچند فشرده به شخصیت وحشی و جنایتی که وی مرتکب شد داشته باشیم، آن گاه به تحلیل و بررسی اصل سخن بپردازیم.

وحشی کسی بود که وحشیانه ترین برخورد را با جنازه عموی پیامبر اسلام (ص) داشت. وی که به دستور همسر ابوسفیان

مأموریت کشتن عموی پیامبر را داشت، می توانست در آن صحنه نبرد(جنگ احد) با کشتن حمزه به مأموریتش خاتمه دهد، و تا اینجا - اگر چه در لشکر کفر و در مقابل سپاه اسلام می جنگید - کار وی قابل اغماض و چشم پوشی است؛ زیرا که اقتضای جنگ و نبرد کشتن و زخمی نمودن است، اما وحشی، وحشیانه ترین عمل ممکن را نسبت به جنازه بر زمین افتاده یک انسان در صحنه نبرد انجام داد. وی علاوه بر پاره کردن بدن حمزه به دستور همسر ابوسفیان، جگر وی را در آورد. طبیعی است که پیامبر اکرم (ص) با مشاهده این وضعیت دلش می شکند و ناراحت می شود. و این نه به دلیل خویشاوندی میان او و حمزه بوده، بلکه به جهت خدمات درخشانش در حمایت از اسلام و از رسول خدا در مقابل حق ستیزان بود که در این نبرد رسول خدا یکی از فرماندهان رشید و با وفایش را از دست داد. بدیهی است که با مشاهده حمزه در چنین وضعیتی حزن و اندوهش دو چندان خواهد شد.

همان گونه که می دانیم، عفو و گذشت یکی از سفارشات مکتب حیات بخش اسلام است که رسولش منادی این ارزش اخلاقی و خود در عمل بدان پای بند بوده. این صفت و ارزش اخلاقی در مورد مردم عادی در همه جای دنیا و در تمام زمان ها کاری شایسته و قابل تحسین است، اما در مورد افراد جانی و درنده خو، به نظر می رسد چندان پسندیده نباشد؛ چرا که ممکن است چنین افرادی در هر لحظه و در هر جا برای مردم جامعه مایه تهدید و هراس باشند؛ از همین رو است که پیامبر (ص) دستور قتل وحشی را صادر فرموده بودند و مسلمانان نیز سخت به دنبال اجرای آن بودند که وحشی به طائف گریخت و ساکن آنجا شد.

منتها پس از مدتی، هنگامی که نمایندگان مردم طائف به حضور پیامبر (ص) آمدند، او هم همراه ایشان آمد و به حضور رسول خدا (ص) رسید، شهادتین گفت و اسلام آورد. رسول خدا (ص) از او پرسید: تو وحشی هستی؟ گفت: آری. فرمود: فرمود عمویم حمزه را چگونه کشتی؟ او جریان کشتن حضرت حمزه را از آغاز تا انجام شرح داد. پیامبر گریست و قطرات اشک از سیمای نورانش سرازیر شد، در عین حال وحشی مشمول عفو پیامبر قرار گرفت و آزاد شد، اما حضرتش فرمود: خودت را از نظرم دور بدار. وحشی می گوید: از آن پس هر گاه پیامبر(ص) را می دیدم خودم را از او مخفی می کردم.

این سخن پیامبر(ص) خطاب به وحشی می تواند از چند زاویه مورد توجه باشد:

1. عده ای معتقدند که اسلام آوردن وحشی تظاهر به اسلام بود، برای در امان ماندن از مرگ. از این رو چون به ظاهر اسلام آورد و ایمانش واقعی نبود پیامبر این گونه فرمود. روشن است با توجه به روایتی که در ذیل آیه 106 سوره توبه در باره «مرجون لامر الله» آمده، این نظر نمی تواند مورد قبول واقع شود.

2. همچنین می تواند چنین توجیه داشته باشد که هر انسانی در هر مرتبه از کمال معنوی باشد، دارای عواطف انسانی است و طبیعی است که پیامبر اسلام نیز از این قاعده استثنا نخواهد بود؛ از این رو، بدون این که او را از حضور در جامعه منع کند، فرمود در جلو چشمانم ظاهر نشو که با هر بار دیدنت به یاد آن جنایت بزرگ افتاده و قلبم جریحه دار خواهد شد. اگر غیر از این بود، دستور به اخراج و تبعید وی می داد، در حالی که چنین نکرد، و این خود بهترین شیوه گذشت است.

3. تفسیر رحمانی تر این سخن آن است که پیامبر خواست با این سخن، وحشی از خجالت و شرمندگی در امان باشد؛ چرا که هر وقت چشمش به چشمان مبارک پیامبر رحمت می افتاد، از جنایتی که در حق آن حضرت مرتکب شد، احساس شرم و خجالت می کرد، معنای سخن رسول خدا این است که برو و به زندگی عادی خویش بپرداز و در صدد جبران گذشته باش.

گفتنی است این توجیه نمونه هایی نیز در تاریخ دارد، آنجا که یسع بن حمزه می گوید: در مجلس امام رضا(ع) بودم با هم صحبت می کردیم؛ عده زیادی نیز در خدمتش بودند که از مسائل حلال و حرام می پرسیدند؛ در این هنگام مردی بلند قد و گندم گون وارد شد، گفت ای پسر رسول خدا(ص) سلام علیکم، من مردی از دوستان و ارادتمندان شما هستم، از مکه می آیم، پول خود را گم کردم و آن قدر که مرا به وطنم برساند ندارم، اگر صلاح بدانید به من کمک فرمایید تا به شهر خود برسم، در آنجا من دارای ثروتم و خدا مرا از نعمت خویش بهره مند کرد، وقتی به شهر خود رسیدم آنچه به من عنایت کرده ای از طرف شما صدقه می دهم، من خود نمی توانم از صدقه استفاده کنم. امام فرمود خدا رحمتت کند بنشین، حضرت شروع کرد با مردم به صحبت کردن تا همه متفرق شدند، آن مرد با سلیمان جعفری و خثیمه و من باقی ماندیم. امام فرمود اجازه می دهید من وارد اندرون شوم. سلیمان عرض کرد خدا شما را موفق کند. امام(ع) وارد اطاق شد و لحظه ای در آنجا بود، بعد در را باز کرد و همان پشت در ایستاد دست خود را خارج نمود، از بالای در فرمود خراسانی کجاست؟ عرض کرد من اینجا هستم، فرمود این دویست دینار را بگیر و از آن برای مخارج خویش استفاده کن و به آن تبرک جو، نمی خواهد از طرف من صدقه بدهی، برو که مرا نبینی و من ترا نبینم. آن مرد خارج شد، سلیمان عرض کرد خیلی به او لطف کردید و مورد شفقت خویش قرارش دادید؛ چرا صورت خود را از او پوشاندی، فرمود ترسیدم خواری سؤال را در چهره اش مشاهده کنم. کسی که کار بد را شیوع دهد خوار است و هر که پنهان نماید خدایش او را می آمرزد. بنابر این، با توجه به مطالب بیان شده، برخورد پیامبر اسلام(ص) با وحشی تعامل رحمانی است، با هر رویکردی که به این موضوع نگاه کنیم!

رد پای وحشی در تاریخ

بعد از مسلمان شدن هم کارنامه زیبایی از او نمی بینیم به نمونه هایی از اعمال او توجه کنید:

1- وی شدیداً مشروب می خورد و به این عمل معروف و مشهور بود تا آنجا که یکبار حد زده شد و در دیوان مالیات مسلمین نیز به همین علت از حقوقش کسر شد.

2- با اینکه خود از روایان و شاهدان واقعه غدیر خم بود ولی از اطرافیان ابوبکر شد و به او کمک کرد.

3- جعل حدیث در فضیلت خالد بن ولید کرد.

4- جعل حدیث در فضیلت معاویه کرد.

5- در مورد مرگ او نوشته اند غرق فی الخمر یعنی از شدت مشروب خوردن مرد. بد نیست بدانید امام رضا(ع) در روایتی با استدلال به آیه شریفه "مما خطیئاتهم اغرقوا فادخلوا ناراً" فرمودند کسی که از شدت مشروب خوری بمیرد بلاشک در جهنم خواهد بود. روایت دیگری نیز از امام صادق(ع) وجود دارد که مشروب خور، عطشان وارد جهنم می شود. جالب اینجاست که در ضمن این حدیث بسیاری از علما وحشی را مثال زده اند.

6- فقط یکبار نقل شده که وی از عمل خود اظهار پشیمانی می کرد آن هم به این خاطر بود که قرار بود به خاطر کشتن حمزه آزاد شود ولی هند به قول خودش وفا نکرد، البته بعدها آزاد شد.